

سی.اف.آر (شورای روابط خارجی)^۱، تیم بایدن و برآیندهای سیاسی کلیدی^۲نویسنده: لارنس اچ-شوپ^۳

مترجم: علی ذوالقدر

طبقه کارگر آمریکا به رهبری رنگین‌پوستان حداقل به‌طور موقت توانست رژیم جنایت‌کار ترامپ و شیخ اتحاد نئوفاشیسم گنگستری را شکست دهد. این رژیم نژادپرست در کنار بسیاری دیگر از اقدامات جنایات آمیز خود، تلاش کرد نتایج انتخابات ملی آمریکا را زیر سوال برد، [اما در نهایت نتوانست]. [با اینحال این پایان کار نیست. در همین جهت] بد نیست که تحلیلی از رژیم جدید جو بایدن، اعضا و سیاست‌هایی که دنبال خواهد کرد، ارائه دهیم. این تحلیل بر تمام مسائل مهم از جمله تغییرات اقلیمی و استراتژی کلان آمریکا در قبال چین نظر خواهد افکند.

همه در این مسئله متفق القول هستند که رئیس‌جمهور بایدن در زمان بسیار خطرناکی هم در تاریخ آمریکا و هم در تاریخ جهان وارد کاخ سفید شده است. او با چالش‌های عظیم از جمله وضعیت اضطراری اقلیمی، درگیری با چین، تضعیف نظام متحدان و رکود اقتصادی روبه‌رو است، علاوه بر این، تهدیدهای راست‌گرایان نیز وجود دارد که قصدشان نابود کردن اندک دموکراسی باقی مانده در آمریکا (و بنابراین مشروعیتش در چشم اکثریت جامعه) است. در این وضعیت رهبران اصلی انحصار سرمایه مالی [همان] بخش غالب طبقه پلوتوکراتیک سرمایه‌دار، نگران تصمیمات حائز اهمیت اقتصادی و سیاست‌های خارجی پیشرو بوده و خواهان کنترل [این تصمیمات] هستند.

بایدن برای مواجهه با این چالش‌های عظیم، یک تیم سیاست‌گذار ارشد را برگزیده که اکثراً از افراد طبقه متخصص تشکیل شده‌اند. اکثریت قابل توجه [این تیم] از نزدیک و به میانجی عضویت در اتاق‌های فکر، گروه‌های مشورتی سیاسی- استراتژیک و شرکت‌های بزرگ به پلوتوکراسی (اقلیت سرمایه‌دار حاکم) مرتبطند. همچنین [این افراد] فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هایی هستند که به طبقه برتر پلوتوکراتیک متصل است. این تیم آموزش دیده و متصل برای مدت‌هاست که نقش اساسی در سیستم ایفا کرده‌است. [آنها] راه‌حلهایی برای مشکلات انحصار سرمایه‌داری مالی طراحی کردند که همزمان نئولیبرالیسم را نیز حفظ کرده است. [از جمله این راه‌ها می‌توان] به خصوصی‌سازی کارکردهای دولت به‌منظور سودده کردن آنها و [ورود] به نظام انباشت اشاره کرد. وجه تشابه همه این تیم، تجربه‌ها و تحصیلات مشترکشان است که به آن خواهیم پرداخت.

تیم بایدن

بایدن بارها قول داد که کابینه او «متنوع‌ترین در تاریخ^۴» خواهد بود. او همچنین اظهار می‌کرد «دولت شبیه خود کشور به‌نظر خواهد آمد^۵». این قول باعث شد که تقابلی همچون نزاع فاتحان بر سر غنائم شکل بگیرد. [در نتیجه] همه گروه‌ها به جوش و خروش افتادند و برای رسیدن به بالاترین نقش‌ها در دولت جدید لابی‌های مختلفی کردند. سیاست‌های مبتنی بر نمایندگی مینا ادعا هر گروه بود که [در آن تمامی جنبه‌ها] از نژاد، قومیت، جنسیت و گرایش جنسی وجود داشت. نمایندگی (اگر تنها ظاهر صرف نباشد) بسیار پر اهمیت است، [چراکه] راهی را پیشرو می‌گذارد تا گروه‌های به‌حاشیه رانده شده بتوانند هر کدام صندلی را به دست آورند که پیشتر قادر به آن نبودند. [درواقع] عامل اصلی که توسط بایدن و دیگر تصمیم‌گیرندگان مورد توجه قرار گرفت، حذف ویژگی مشترک افراد یعنی اتصالشان به طبقه پلوتوکرات بود.

¹ The Council on Foreign Relation شورای روابط خارجی یکی از قدیمی‌ترین اتاق فکرها در آمریکاست که سالهاست در تصمیم‌سازی‌ها و معرفی استراتژی‌های سیاست خارجی آمریکا نقش مهمی ایفا کرده است. این شورا در معرفی خود ادعا کرده که یک اتاق فکر فرا حزبی و مستقل است که هدفش بودن یک منبع تاثیرگذار برای سیاست‌مداران، مدیران کسب و کار و... غیره می‌باشد. (از این به بعد در طول مقاله از مخفف نام آن یعنی سی.اف.آر استفاده خواهیم کرد. (م)

² <https://monthlyreview.org/2021/05/01/the-council-on-foreign-relations-the-biden-team-and-key-policy-outcomes/#lightbox/0/>

³ Laurence H. Shoup

⁴ the most diverse in history

⁵ administration will look like the country

اغلب رسانه‌ها، طبقه را به عنوان یک عنصر اصلی نادیده گرفتند و تنها بر هویت -جدا از دیگر عناصر گسترده اجتماعی- تاکید ورزیدند. حتی بر این موضوع ابتدایی اشاره نشد که ایالات متحده جامعه‌ای طبقاتی است که فرصت‌های زندگی مردم - برای دسترسی به بهداشت، آموزش، موفقیت، رفاه و خوشبختی- به صورت گسترده‌ای وابسته به طبقه‌ای (همچنین جنسیت و نژاد) است که افراد در آن به دنیا می‌آیند. طبقه کارگر عموماً کم‌برخوردارترین [گروه] از فرصت‌های زندگی هستند. آنهایی که طبقات متخصص را تشکیل می‌دهند، اگر سخت کار کرده و به قدرت سیاسی و اقتصادی خدمت برسانند، شانس بیشتری برای این فرصت‌ها دارند. بالاتر از همه سرمایه‌داران پلوتوکراتیک حاکم هستند که اکثر منابع موجود را از آن خود کرده و نابرابری عمیقی را شکل می‌دهند. ارتباطات نزدیک اکثر افراد در تیم بایدن با طبقه حاکم غالب -مخصوصاً آنهایی که از ثروتمندان قدیمی هستند- بیش از تفاوت‌های نژادی، قومی، جنسیتی و هویت‌های جنسی، سیاست‌ها و [دستور کارهای] اقتصادی دولت او را نمایان می‌سازد. به علاوه، این تنوع هویتی، گوناگونی محدود طبقاتی آن را پنهان می‌کند.

سی نفر از مقامات ارشد تیم بایدن که می‌توان آنها را گروه رهبری به حساب آورد، سرکردگان ارشدی را شامل می‌شود که فقط به کابینه محدود نیستند. ارتباطات کلیدی آنها با قدرتمندان شامل پیوندهای خانوادگی نیز است. در این پژوهش، ما تیم بایدن را به دو گروه تقسیم می‌کنیم یک آنهایی که به سی.اف.آر متصل اند و دو آنهایی که با این شورا رابطه ای ندارند. گروه [مرتبط] با سی.اف.آر بزرگتر از گروه دیگر است که ارتباطات گسترده‌تری با بخش بزرگتر طبقه پلوتوکراتیک آمریکا دارد. (به فهرست 1 و 2 مراجعه کنید.)

طبقه سرمایه‌دار پلوتوکراتیک حاکم در ایالات متحده که دارای قدرت و ثروت نامحدودی است، از گروه کوچکی تشکیل شده که با سازمان‌یافتگی بسیار از منافع خود دفاع می‌کند. [آنها] طبقه‌ای در خود و برای خود هستند. برای کاوش [ارتباط تیم بایدن] با این طبقه، باید به چهار عنصر یعنی نهادهای این طبقه، کارکردهای این نهادها، نهادهایی که بیش از همه به پلوتوکراسی آمریکا متصل هستند و افراد متصل به آنها، نظر بیافکنیم.

[ارتباط] سی.اف.آر با تیم بایدن (فهرست شماره 1)

- کاملا هریس⁶، معاون رئیس‌جمهور (ارتباط با سی.اف.آر به میانجی خانواده، دانشگاه هاروارد و دی.ال.ای پیپر⁷، ارتباط با اوبر⁸ از طریق خانواده)
- آنتونی بلینکن⁹، وزیر امور خارجه (عضو گروه سی.اف.آر، فارغ التحصیل از دانشگاه‌های هاروارد و کلمبیا، یکی از موسسین وست اگزک¹⁰)
- ژانت یلن¹¹، وزیر امور دارایی (عضو گروه سی.اف.آر، فارغ التحصیل دانشگاه یل و هاروارد و عضو بروکینگز¹²)
- لوید آستین¹³، وزیر دفاع (عضو سی.اف.آر و عضو آلبرایت استون بریج¹⁴)
- لیندا توماس-گرینفیلد¹⁵، سفیر [آمریکا] در سازمان ملل (عضو سی.اف.آر و آلبرایت استون بریج)
- سیلیسیا رز¹⁶، از اعضا گروه مشاوران اقتصادی (مدیر سی.اف.آر، فارغ التحصیل از پرینستون و عضو راو پرایس¹⁷)

⁶ Kamala Harris

⁷ DLA Piper شرکت چند ملیتی حقوقی که تاسیسش به سال 2005 بازمی‌گردد.

⁸ Uber

⁹ Antony Blinken

¹⁰ WestExec یک شورا راهبردی مشورتی که عمدتاً توسط اعضا تیم رئیس‌جمهور سابق اوباما تاسیس شده است.

¹¹ Janet Yellen

¹² Brookings یک اتاق فکر مطرح که درباره سیاست‌های داخلی و بین‌المللی به دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی مشاوره می‌دهند.

¹³ Lloyd Austin

¹⁴ Albright Stonebridge Group یک نهاد بین‌المللی استراتژی کسب و کار که به شرکت‌های چند ملیتی و دولت‌ها در سراسر جهان مشاوره می‌دهد.

¹⁵ Linda Thomas-Greenfield

¹⁶ Cecilia Rouse

¹⁷ Rowe Price راو پرایس یک شرکت مدیریت سرمایه است که خدماتی مانند مشاوره کسب و کار و در اختیار قرار دادن منابع سرمایه را ارائه می‌دهد.

- آلخاندرو مایورکاس^{۱۸}، وزیر امنیت داخلی (عضو سی.اف.آر و ویلمر هیل^{۱۹})
- جیک سالیوان^{۲۰}، مشاور امنیت ملی (نویسنده مجله فارین افیرز^{۲۱} (نشریه اصلی سی.اف.آر) و عضو ویلمر هیل)
- ران کلاین^{۲۲}، رئیس دفتر (ارتباط با سی.اف.آر از طریق پیوند خانوادگی، فارغ‌التحصیل هاروارد و عضو اوملونی و مایرز^{۲۳})
- جان کری^{۲۴}، نماینده ویژه [مسائل] اقلیمی (ارتباط با سی.اف.آر از طریق پیوند خانوادگی و فارغ‌التحصیل دانشگاه ییل)
- سوزان رایس^{۲۵}، رئیس شورای [امور] داخلی (عضو سی.اف.آر، فارغ‌التحصیل هاروارد، آکسفورد و استفورد)
- ویلیام جی. برنز^{۲۶}، رئیس اطلاعات مرکزی (عضو سی.اف.آر، فارغ‌التحصیل آکسفورد و عضو کارنگی^{۲۷})
- کرت ام. کمپل^{۲۸}، معروف به تزار منطقه هند-اقیانوسیه (عضو سی.اف.آر، فارغ‌التحصیل از هاروارد و آکسفورد و عضو گروه آسیا^{۲۹})
- توماس ویلسک^{۳۰}، وزیر کشاورزی (عضو سی.اف.آر و عضو شورای توسعه صادران لیبیات آمریکا^{۳۱})
- جینا ریموندو^{۳۲}، وزیر بازرگانی (عضو سی.اف.آر، فارغ‌التحصیل از آکسفورد و عضو شرکت سرمایه‌گذاری پونت جودیت^{۳۳})
- اریک اس لندر^{۳۴}، رئیس دفتر [مرکز] علم و فناوری (عضو سی.اف.آر و فارغ‌التحصیل از هاروارد)
- جفری زینتس^{۳۵}، مشاور رئیس جمهور (عضو سی.اف.آر و کرینمر^{۳۶})

منابع

گزارش سالانه 2018^{۳۷} (واشنگتن دی، شورای روابط خارجه، 2018) 48
تا 71 - جشن صدسالگی^{۳۸} شورای سیاست خارجی، ژانویه 2021) -
معرفی‌نامه‌ها از وبسایت‌ها/اتاق‌های فکر، شرکت‌های بزرگ و گروه‌های
سیاست راهبردی

¹⁸ Alejandro Mayorkas

¹⁹ WilmerHale ویلمر هیل یک نهاد حقوقی بین‌المللی است که وکالت افراد و شرکت‌های مختلف در حوزه‌های مختلف صنعت برعهده می‌گیرد و به آنها مشاوره حقوقی می‌دهد.

²⁰ Jake Sullivan

²¹ Foreign affairs

²² Ron Klain

²³ O'Melveny and Meyers شرکت حقوقی که در سطح بین‌المللی به کسب و کارهای مختلف مشاوره و خدمات حقوقی ارائه می‌دهد.

²⁴ John Kerry

²⁵ Susan Rice

²⁶ William J. Burns

²⁷ Carnegie یکی از قدیمی‌ترین بنیادهای اعطای کمک‌های ملی در آمریکا که در نیویورک قرار دارد.

²⁸ Kurt M. Campbell

²⁹ Asia Group یک نهاد مشاوره‌ای که در حوزه روابط دولتی، ورود به بازار و سیاست عمومی در کشورهای آسیایی خدمات ارائه می‌دهد.

³⁰ Thomas Vilsack

³¹ Us Dairy Export Council شرکت غیرانتفاعی که در جهت افزایش تقاضا محصولات لبنیات آمریکا در سراسر جهان تلاش می‌کند.

³² Gina Raimondo

³³ Point Judith Capital یک شرکت بین‌المللی که در حوزه‌های خدمات نرم‌افزاری و فناوری سرمایه‌گذاری می‌کند.

³⁴ Eric S. Lander

³⁵ Jeffery Zients

³⁶ Cranemere یک شرکت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف که خدمات دیگری مانند ایجاد استراتژی کسب و کار ارائه می‌دهد.

³⁷ Annual Report

³⁸ Celebrating a Century

اتاق‌های فکر: کارکرد اتاق‌های فکر (همراه با رسانه‌های اصلی) برنامه‌ریزی پیشرفته، مطرح کردن دستورکارها، شکل دادن اجماع‌ها و تغییر افکار عمومی به نفع سیاست‌های مشخص دولت است. آنها همچنین سیاست‌های مشخصی را پیشنهاد می‌کنند و افرادی را برای پیش برد آنها پرورش و انتخاب می‌نمایند. تعداد نامحدودی از این اتاق فکرها در آمریکا وجود دارد، اما سه تا از آنها برای طبقه حاکم پر اهمیت‌تر است که شامل گروه سی.اف.آر، موسسه غیرانتفاعی کارنگی و موسسه بروکینز می‌شود. بین این سازمان‌ها، پر اهمیت‌ترین اتاق فکر سیاسی ایالات متحده، گروه سی.اف.آر است. [این اتاق فکر] به مدت بیش از صد سال است که به طرح استراتژی‌های کلان آمریکا یاری رسانده. [به همین دلیل] به اتاق فکر وال استریت نیز ملقب شده است. سی.اف.آر یک بدنه عالی‌مقام پلوتوکراتیک است که امپریالیسم آمریکا را ترویج می‌کند. این اتاق فکر قدرتمندترین ارگان خصوصی جهان و اتاق فکر اصلی سرمایه مالی-انحصاری آمریکا است. در واقع سی-اف-آر یک سازمان عضوگیرنده است که با شبکه گسترده، به ارائه دستورکارها، طرح‌ریزی‌های راهبردی و شکل‌دهی اجماع‌ها به نفع طبقه حاکم سرمایه‌دار در آمریکا می‌پردازد.

فعالیت‌های سی-اف-آر به طبقه سرمایه‌دار کمک می‌کند که نه تنها به طبقه‌ای در خود بلکه به طبقه‌ای برای خود تبدیل شود. از همان آغاز تاسیسش، [این سازمان] ارگانی پشت صحنه بود که شبکه‌اش توسط سرمایه‌داران مالی وال استریت در نیویورک هدایت می‌گشت. این سرمایه‌داران توسط متخصصان متحد خود در طبقه حرفه‌ای (به‌خصوص از دانشگاه‌های برتر آمریکا) حمایت می‌شوند. همچنین [همواره] دولت، سازمان‌های غیرانتفاعی، قانون و رسانه‌های جامعه پشتیبانی گسترده‌ای از آنها می‌کنند. این شورا از همان ابتدا مفهوم امپریالیستی طبقه سرمایه‌دار یعنی منافع ملی آمریکا را مطرح و ترویج کرده است. سی.اف.آر همچنین بانی ترویج برتری هژمونیک آمریکا هم در منطقه و هم در جهان بوده. این نهاد در رسیدن به اهداف، مشخص کردن برنامه سیاسی و همچنین قرار دادن هزاران نفر از اعضا و رهبران خود به درجات عالی سیاسی [تاکنون] بسیار موفق عمل کرده است.

ارتباطات دیگر اتاق‌های فکر با تیم بایدن (فهرست شماره 2)

- آوریل هینز³⁹، رئیس سازمان اطلاعات ملی (عضو کارنگی و وست اگزگ)
- کترین تای⁴⁰، نماینده تجاری (فارغ‌التحصیل هاروارد و بیل، عضو میلر اند شوالیر⁴¹)
- دب هالند⁴² وزیر کشور (فارغ‌التحصیل از دانشگاه نیو مکزیکو)
- مریک گارلند⁴³ دادستان کل (فارغ‌التحصیل هاروارد و عضو آرنولد اند پورتر⁴⁴)
- مارتی والش⁴⁵ وزیر کار (عضو سابق اتحادیه ساختمان⁴⁶)
- خاویر بسرا⁴⁷ وزیر بهداشت و [منابع] و خدمات انسانی (فارغ‌التحصیل از دانشگاه استنفورد)
- مارسیا فاج⁴⁸ وزیر مسکن و توسعه شهری (فارغ‌التحصیل دانشگاه ایالتی اوهایو)

³⁹ Avril Haines

⁴⁰ Katherine Tai

⁴¹ Miller & Chevalier یک سازمان حقوق که مشاوره و خدمات بین‌المللی در حوزه منافع سرمایه‌گذاری، امور مربوط به مالیات و .. می‌دهد.

⁴² Deb Haaland

⁴³ Merrick Garland

⁴⁴ Arnold & Porter یک شرکت حقوق چند ملیتی که در زمینه‌های مختلف حقوق تجاری و کسب و کار به سازمان‌ها و افراد مشاوره و خدمات حقوقی ارائه می‌دهد.

⁴⁵ Marty Walsh

⁴⁶ building trades unions یک فدراسیون کارگری که از بهم پیوستن 14 اتحادیه کارگری ساختمان در آمریکا در سال 1907 تشکیل شده است.

⁴⁷ Xavier Becerra

⁴⁸ Marcia Fudge

- پیت بوتجاج^{۴۹} وزیر حمل و نقل (فارغ التحصیل هاروارد و آکسفورد، عضو گروه کوهن^{۵۰} و مکینزی^{۵۱})
- جنیفر گرهلیم^{۵۲} وزیر انرژی (فارغ التحصیل هاروارد و دارای سابقه کار برای چندین شرکت بزرگ)
- میگل کاردونا^{۵۳} وزیر آموزش و پرورش (فارغ التحصیل دانشگاه کنتیکت)
- دنیس مک دونا^{۵۴} وزیر امور کهنه سربازان (عضو مارکو ادوایزر^{۵۵})
- نیرا تاندن^{۵۶} مشاور سازمان برنامه و بودجه (فارغ التحصیل دانشگاه ییل، عضو مرکز پیشرفت آمریکا^{۵۷})
- مایل اس ریگان^{۵۸} رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست (عضو صندوق دفاع از محیط زیست^{۵۹})

سی-اف-آر توسط پلوتوکراسی قدیمی رهبری و تامین مالی می شود. برای مثال، دیوید راکفلر به مدت 15 سال عضو این شورا و از پیشگامان کمک های مالی آن به صورت تاریخی به حساب می آید. 17 نفر از اعضا کابینه بایدن (از 30 نفر یا همان 56.7 درصد) عضو این نهاد بوده یا با آن ارتباط خانوادگی دارند. (فهرست سه را مشاهده کنید.) از جمله [این اعضای کابینه] می توانیم به معاون رئیس جمهور کاملا هریس، وزیر امور خارجه آنتونی بلینکن، وزیر امور دارایی ژانت یلن، وزیر دفاع لوید آستین، رئیس سی-آی-آی ویلیام جی. برنز، مشاور امنیت ملی جیک سالیوان، وزیر کشاورزی توماس ویلسک، وزیر بازرگانی جینا ریموندو، وزیر امنیت داخلی الخاندرو مایورکاس، رئیس دفتر ران کلین، نماینده امور تغییرات اقلیمی جان کری، رئیس کنسول محلی سوزان رایس، مشاور مسائل هند-اقیانوسیه کرت. اک کمپل، سفیر سازمان ملل متحد لیندا توماس-گرینفیلد، رئیس کنسول مشاورات اقتصادی سیسیلیا رز، مدیر بخش علم و فناوری اریکس، اس لاندرو و مشاور جفری زینتس اشاره کنیم. داشتن ارتباطات ضروری، تلاش برای عضویت و پرداخت هزینه های هنگفت سالیانه، نشانه ای از تعهد به سی.اف.آر است. برخی از این اعضا کابینه نام برده شده نزدیکی خاصی با سی-اف-آر دارند. برای مثال آنتونی بلینکن نه تنها عضو این نهاد بوده، بلکه همسرش، پدرش و عمویش نیز عضو سی.اف.آر هستند. از سال 2004، بلینکن حق عضویت سالیانه نهاد را پرداخت کرده است. کری از برهن های بوستن^{۶۰} نیز از اعضا قدیمی پلوتوکراسی مالی محسوب می شود که ثروت خانوادگی از 1 میلیارد دلار تجاوز می کند. همچنین چهار تن از اعضا خانواده کری عضو سی.اف.آر هستند. رز مدیر نهاد از سال 2018 است. ویلسک از اعضا گروه تحقیقاتی مستقل سی-اف-آر در سال 2007 بوده. بسیار دیگری از اعضا کابینه نیز در جلسات شورا سخنرانی کردند که از جمله آنها می توانیم، به سخنرانی مایرکاس، در ژوئن 2011 اشاره کنیم.

کاملا هریس معاون رئیس جمهور و رئیس دفتر ریاست جمهوری کلاین تنها کسانی از آن هفده نفر مطرح شده در فهرست یک هستند که عضو این نهاد نبوده و از طریق خانواده با سی.اف.آر در ارتباط قرار می گیرند. خواهر هریس مایا که مدیر کارزار انتخاباتی نیز بود از سال 2013 عضو سی.اف.آر است. همسر کلاین، مونیکا مدیا، نیز در سال 2016 به عضویت این نهاد انتخاب شد.

⁴⁹ Pete Buttigieg

⁵⁰ Cohen Group یک نهاد مشاوره کسب و کار که خدماتی مانند مشاوره راهبردی، کمک عملی و.. به کسب و کارها و شرکت های بزرگ ارائه می دهد.

⁵¹ MacKinsey یک سازمان پژوهشی در زمینه اقتصاد و کسب و کار که ادعا خود بینش ها و چشم اندازهای صحیحی را درباره بخش های مهم برای رهبران فراهم می کنند.

⁵² Jennifer Granholm

⁵³ Miguel Cardona

⁵⁴ Denis McDonough

⁵⁵ Macro Advisers یک سازمان مربوط به امور سرمایه گذاری که خدمات مختلفی در حوزه کسب و کار ارائه می دهد.

⁵⁶ Neera Tanden

⁵⁷ Center for American Progress یک سازمان تحقیقات سیاست گذاری عمومی که دیدگاه اقتصادی و اجتماعی لیبرال درباره امور به دولت ها و مقامات ارائه می دهد.

⁵⁸ Michael S. Regan

⁵⁹ Environmental Defense Fund یک سازمان غیرانتفاعی که در جهت دفاع از محیط زیست و حل مشکلات اقلیمی تلاش می کند.
⁶⁰ Boston Brahman معمولاً به اعضای قدیمی خانواده ها پرنفوذ که ریشه قدرتشان به سال های اولیه تاسیس آمریکا بازمی گردد، گفته می شود.

جیک سالیوان اگرچه دیگر عضو این نهاد نیست، اما همچنان پیوند نزدیک خود را با آن حفظ کرده است. او در سال‌های اخیر، بیش از پنج مقاله برای ژورنال این نهاد یعنی فارین افیرز نوشته و [همچنین] در مرکز نیویورک این سازمان نیز بارها به سخنرانی پرداخته است.

در نهایت بایدن نیز اجازه پیدا کرده بود که در جریان کارزار انتخاباتی مقاله‌ای برای این ژورنال بنویسد. در واقع بایدن و سناتور الیزابت وارن تنها کاندیداهای انتخاباتی بودند که از آنها برای تبلیغ خود و ایده‌هایشان در فارین افیرز دعوت به عمل آمد.

دو تا از دیگر اتاق فکرهای، پلوتوکراسی قدیم که پیوند تنگاتنگی با سی-اف-آر دارند، موسسه بروکینز (تاسیس 1916) و موسسه غیرانتفاعی کارنگی (تاسیس 1910) است. از سال 2002 رئیس موسسه بروکلین همیشه عضو سی-اف-آر نیز بوده است. همچنین بزرگترین یاری‌رسانان موسسه بروکینز اعضا برجسته سی-اف-آر (مانند دیوید روبن اشتاین رئیس سی-اف-آر) و نهادهای حامی آن (مانند بانک جی-پی-مورگان) هستند. سه نفر از اعضای تیم بایدن یعنی یلن، رایس و رئیس سازمان اطلاعات ملی اوریل هاینس عضو این نهادها می‌باشند. موسسه غیرانتفاعی کارنگی نیز پیوند نزدیکی با سی-اف-آر دارد. تمام روسای این موسسه از سال 1946 عضو سی-اف-آر بودند و رئیس کنونی سی-اف-آر، ریچارد هاس از کارمندان ارشد کارنگی پیش از رئیس شدنش در سی-اف-آر بوده است. دو نفر از اعضای کابینه بایدن، رئیس سیا برنز و جیک سالیوان سابقه پست‌های رهبری را در کارنگی نیز داشته‌اند.

آخرین اتاق فکری که رابطه اش با تیم بایدن بسیار جدیدتر از دیگران بوده مرکز پیشرفت آمریکا است. [این موسسه] در سال 2003 تاسیس شد. نیورا تاند مدیر، رئیس و عضو ارشد این اتاق فکر است. این اتاق فکر متعلق به میانه‌روهای حزب دموکرات بوده که پیوند نزدیکی با جریان اوباما-کلینتون حزب دارد. بودجه این اتاق فکر بیشتر توسط اعضای جدید میلیارد طبقه پلوتوکراتیک تامین می‌گردد. بسیاری از آنها با سی-اف-آر نیز مرتبط هستند. از جمله آنها می‌توانیم به جورج سوروس، مایکل بلومبرگ و گلن هتچینز اشاره کنیم. بنیاد فورد (تاسیس 1936) یکی از قدیمی‌ترین [نهادهای] پلوتوکراتیک دیگر منبع مالی این اتاق فکر به حساب می‌آید. این نهاد و دیگر افراد طبقه حاکم، به مرکزی برای پیشرفت آمریکا کمک مالی می‌کنند تا آنها عناصر محافظه‌کارتر حزب دموکرات را در برابر جناح پیشرو به‌رهبری برنی سندرز، تقویت نمایند. این نکته لازم به ذکر است که نمایندگان بسیار کمی از جناح پیشرو در تیم بایدن وجود دارد، در حالی که تقریباً 40 درصد رای دهندگان حزب دموکرات متمایل به این جناح هستند.

بسیار بیش از نصف (نوزده یا 63.3 درصد) سی نفر تشکیل‌دهنده تیم بایدن به‌صورت نزدیک با این چهار اتاق فکر ارتباط دارند. این افراد اکثراً شامل تصمیم‌گیران اقتصادی و سیاست خارجی تیم بایدن هستند.

گروه‌های مشاوران استراتژیک: در دهه‌های اخیر ما شاهد رشد چشمگیر تعداد و قدرت گروه‌هایی تحت عنوان مشاوران خصوصی استراتژیک بوده‌ایم. یکی از برجسته‌ترین این گروه‌ها، بنیاد هنری کسینجر به‌نام همکاران کسینجر است. آنها از تخصص، رابطه‌ها و قابلیت شبکه‌ای به‌منظور کمک به شرکت‌های خصوصی و صاحبان ثروتمند پلوتوکراتیک استفاده می‌کنند تا از قراردادهای (مصوبه‌ها) و اعمال دولت بهره ببرند. تیم بایدن بیش از همه به یکی از این گروه‌های مشاوران به‌نام وست اگزک مرتبط است. وست اگزک، همکاری استراتژیکی با یک گروه خصوصی به نام شرکای اقتصادی پایین آیلند دارد. ایده پشت این بنیادها سرمایه‌گذاری و ارائه تخصص ژئوپولیتیک و سیاسی و رابطه با شرکت‌های بزرگ و همچنین کوچک‌تر است. اعضای تیم بایدن از جمله بلینکن، آستین و هاینس همه عضو این دو بنیاد هستند. در واقع بلینکن و میشل فلورنی، وست اکسکت را در سال 2017 تاسیس کردند. هدف از تاسیس آن در وب‌سایت پایین آیلند اینطور ذکر شده «این سازمان از یک گروه با تجربه در زمینه سرمایه‌گذاری به‌همراه اعضای ارشد سابق دولت و مقامات نظامی تشکیل شده است. هر کدام از همکاران سیاسی ما به همراه افراد حرفه‌ای در سرمایه‌گذاری، به برقراری معامله‌ها، تحلیل‌ها، بردن مزایده‌ها، بستن تراکشن‌ها به شرکت‌های طرف قرارداد با پایین آیلند کمک می‌کنند.»

اعضای سابق دولت از ارتباطات درونی خود برای شرکت‌های طبقه حاکم و صاحبان ثروتمند استفاده و از آن درآمد کسب می‌کنند. افشاگری که درباره بلینکن اتفاق افتاد، برخی از این مشتریان را مشخص کرده که شامل بویینگ، بلک استون، بانک آمریکا، آلفبت/گوگل، ای تی تی، اوپر،

سافت بانک، فیس‌بوک، لازارد و مک کینزی می‌شود. تمام این مشتریان به جز اوبر و سافت بانک از اعضای نهادی سی-اف-آر به حساب می‌آیند. گزارش‌ها حاکی از گرفتن دستمزد 1.1 میلیون دلاری بلیکن در این نهاد دارد.

یکی دیگر از این گروه‌های مشاوره استراتژیک، گروه آلبرایت استون‌بریج است که بخاطر وزیر سابق امور خارجه یعنی مادلین آلبرایت نام‌گذاری شده است. [آلبرایت] نیز سال‌ها عضو سی-اف-آر بود. (او ده سال این مرکز را مدیریت می‌کرد) آلبرایت، اکنون مدیر افتخاری مرکز است. در وبسایت آلبرایت استون‌بریج تبلیغی مبنی بر کمک گروه به مشتریان از شرکت‌های بزرگ وجود دارد که در آن ادعا شده مشاوران این نهاد، «بازارهای جهانی را بازمی‌کنند.» لیندا توماس-گرینفیلد پیش از پیوستن به تیم بایدن مشاور معاون رئیس بنیاد آلبرایت استون‌بریج بوده است.

گروه دیگر، گروه کوهن است که توسط وزیر سابق دفاع و رئیس اسبق سی-اف-آر ویلیام کوهن، تاسیس شد. پیت بوتجاج یکی دیگر از اعضای تیم بایدن است که برای گروه کوهن در سال‌های 2004 و 2005 کار کرده است. بوتجاج و رایس هر دو همچنین برای مکینزی عضو شرکتی سی-اف-آر خدمت‌رسانی کرده‌اند. این نهاد به بسیاری از شرکت‌های چندملیتی به‌منظور بهبود شرایطشان مشاوره می‌دهد. گروه آسیا مشاوره مالی برای استراتژی شرکت‌ها در قاره آسیا را برعهده دارد. تزار بایدن کورت کمپل عضو ارشد این نهاد است.

آخرین گروه مشورتی استراتژیک مرتبط با [تیم بایدن] گروه مشاوران همکار مارکو است. [این گروه] بر مشورت‌های آینده‌نگرانه ژئوپولیتیک به شرکا شرکتی و دیگران تمرکز دارد. اوبر و لیفت دو تا از معروف‌ترین مشتریان این گروه هستند. سالیوان و دنیس مک دونا از اعضای تیم بایدن هستند که سابقه کار برای مارکو را دارند. [همچنین] ویلیام برنز عضو هیئت مشاوران جهانی گروه بوده و سالیوان نیز نماینده گروه در جریان مذاکرات اوبر با اتحادیه‌های کارگری بوده است. [به‌طورکلی] ده تا از سی تا عضو ارشد تیم بایدن وابسته به این گروه‌های مشاوران استراتژیک هستند.

شرکت‌های بزرگ: این نهادها نیروی کار و منابع طبیعی برای تولید کالاها و خدمات را سامان می‌دهند تا ثروتی عظیمی را برای صاحبان پلوتوکراتیک خود خلق کنند. تعدادی از اعضای کابینه بایدن به این شرکت‌های بزرگ مشاوره دادند یا به‌عنوان هیئت مدیره این شرکت‌ها خدمت کرده‌اند. یلن مهم‌ترین فرد در این لیست است. در افشاگری که انجام شده، آشکار شد او برای دو سال بیش از هفت میلیون دلار بخاطر سخنرانی برای شرکت‌های مالی بدست آورده است. این شرکت‌ها شامل سیتی‌گروپ (تقریباً یک میلیون بخاطر نه سخنرانی) هج فاند سیتادل (بیش از هشتصد هزار دلار بخاطر سه سخنرانی)، گلدمن ساکس، بارکلی، یو بی اس، استاندارد چارترد، کردیت سوسایس، بی ان پی پاریناس و گوگل بوده است. یلن همچنین بخاطر مشاوره و سخنرانی برای گروه مالی ماگن بیش از 350 هزار دلار دریافت کرده است. این درآمدزایی از خدمات دولتی او را بسیار ثروتمند کرده است؛ او اکنون میلیون‌ها دلار دارایی، شامل مالکیت سهام بیش از 13 شرکت بزرگ را دارا است.

کاملا هریس، معاون رئیس جمهور نیز نزدیک خانوادگی با شرکت‌های مهم و دیگر نهادهای سرمایه‌دارانه دارد. بیش از آنکه معاون رئیس جمهور شود. شوهرش شریک دی ال ای پایپر یکی شرکت چندملیتی حقوقی بوده است. خواهرش مایا نیز در ام اس ان بی سی، بنیاد فوردها بوده است و به‌عنوان استاد مدعو در هاروارد درس داده است. همسر او تونی وست رایزن پیسیکو بوده و اکنون نیز مدیر حقوقی ارشد در اوبر غول اقتصادی مبتنی بر قراردادهای موقت است. اوبر برای اعمال غیراخلاقی، نادیده‌گیری قوانین محلی و از بین بردن اتحادیه‌ها و حقوق کارگران بارها نقد شده است.

سیسیلیا ای. رز همزمان با ریاست دانشگاه پرینستون، عضو هیئت مدیره نهاد اشتراک مالی تی.رو پرایس⁶¹ نیز هست. این شرکت مدیریت ثروت تا سال 2018 نزدیک 1 تریلیون دلار (991.1 میلیارد) را تحت مدیریت خود داشت و احتمالاً این عدد تا به امروز نیز افزایش پیدا کرده است. تی.رو پرایس دارای ارتباط با جی. پی مورگان چیس، لاک هد مارتین و دیگر نهادهای عمده پلوتوکراتیک است.

⁶¹ T. Rowe Price Equity Mutual Funds

ژنرال آستین در آوریل 2016 از ارتش بازنشست شد. او [پس از بازنشستگی] هیچ تعللی برای پیوستن به بخش خصوصی نکرد و با استفاده از سرمایه خدمات دولتی خود به هیئت مدیره ریتون^{۶۲} پیوست. گزارش شده است که تا سال 2022 کل پاداش او از این شغل سالیانه 1.4 میلیون دلار بوده است. همچنین او مدیر شرکت نوکور در سال 2017 و شرکت دارویی تنه در سال 2018 شد.

مریک گارلند حقوق دان اگرچه بیشتر زندگی شغلی خود را به عنوان قاضی گذرانده است، اما برای سال‌هایی نیز شریک شرکت حقوق بین‌المللی آرنولد و پورتر بوده است. گزارش شده که دارایی او حداقل 7.6 میلیون دلار و حداکثر نیز 25 میلیون دلار است. او از نظر سیاسی فردی میانه‌رو و لیبرال است.

گرنهولم وزیر انرژی سابقه خدمت در شرکت مارنیت مارین، داو کمیکیال، یونیورسال فارست پروداکتس و تالمز بنکورپ را داشته است.

یکی دیگر از اعضای کابینه بایدن ریموندو نیز پیش از کار در بخش دولتی، یک سرمایه‌دار ریسک‌پذیر در رود آیلند بوده. او نخستین نهاد سرمایه‌دار ریسک‌پذیر در این ایالت به نام پوینت جودیت کپیتال را تاسیس کرده بود که توسط نهاد خصوصی بین کپیتال پشتیبانی می‌شد. شوهر او نیز برای مک‌کنزی کار می‌کند.

تای مشاوره اقتصادی بایدن پیش از کار در دولت، در نهادهای مهم حقوقی بین‌المللی که در خدمت شرکت‌های بزرگ قرار دارند، کار کرده است. او در بیکر مک‌کنزی و میلر اند چیلور سابقه فعالیت داشته است. در وب‌سایت میلر اند چیلور اشاره شده که حقوق دان‌های آنها 40 درصد از 500 شرکت برتر را نمایندگی می‌کنند. آنها همچنین افزوده‌اند که «تعداد قابل توجهی» از حقوق دان‌هایشان «مقامات ارشدی در دولت آمریکا داشته‌اند و بسیاری از مقررات و قوانینی که از طریق آنها به مشتریان کمک می‌رسانند را نوشته‌اند.»

مایرکاس، وزیر اطلاعات داخلی، نیز برای دو تا از مهم‌ترین نهادهای حقوق جهانی کار کرده است. او پیش از پیوستن به کابینه اوباما-بایدن برای او-ملونی اند میرس در لس‌آنجلس کرده است و در سال 2017 دوباره به بخش خصوصی بازگشته و در نهاد بین‌المللی ویلمر کاتلر پکرینگ هیل و دور در واشنگتن دی سی فعالیت داشته است و عضو تسک فورس کووید-19 آنها بوده است. ویلمر اخیراً عنوان دوم را در لیست نهادهای حقوقی بزرگ کسب کرده است.

مایکل اس. ریگان، رئیس سازمان محافظت از محیط زیست پیش از پیوستن به صندوق حفاظت از محیط زیست ده سال در این سازمان کار می‌کرده است. صندوق حفاظت از محیط‌زیست یک سازمان جریان اصلی، مبتنی بر بازار است که از طرف طبقه پلوتوکراتیک حمایت می‌شود. به عنوان مثال، بنیاد والتون که توسط خاندان والمارت اداره می‌شود به‌تنهایی در سال 2010 71.8 میلیون دلار به این سازمان اهدا کرده است. (یکی از همان سال‌هایی که ریگان در آن کار می‌کرده.) تمرکز اصلی صندوق بر شکل‌دهی طرح‌هایی با شرکت‌هایی آلوده‌کننده مانند والمارت است تا آنها تغییرات کوچکی در آسیبی که شرکت می‌زند، انجام دهند. در عوض [صندوق] در جامعه تلاش می‌کند که چهره محبوبی از آنها بسازد. شکلی را که می‌توانیم آن را گرین‌واشینگ بمانیم.

مدتی پیش، ریگان به عنوان رئیس بخش کارولینای شمالی دپارتمان کیفیت محیط زیست که درحقیقت همان کار صندوق را می‌کند، فعالیت داشت. او در این سمت مذاکرات مهمی با دوک انرژی انجام داد که منتهی به یک تفاهم‌نامه شد. [دوک انرژی] متعهد شد که خاکسترهای ذغال‌سنگ را از گیاهان آلوده‌شده پاک کند. در عوض او مجوزی صادر کرد که تا دوک انرژی و دامینیم انرژی خط لوله 600 مایلی گاز طبیعی آتلانتیک کوست را افتتاح کنند که هم فعالین محیط‌زیست، هم بومیان آمریکا و هم صاحبان زمین با آن مخالف بودند. آنها با سازمان‌دادن اقدامات قانونی و کنش مستقیم موفق شدند که پروژه خط لوله را متوقف سازند.

به مدت هشت سال، ویلسک وزیر کشاورزی بایدن مشاور در امور کشاورزی در دولت اوباما بود. در زمان ریاست جمهوری اوباما، ویلسک معروف به «مونسانتو» شد، چراکه بیش از هر وزیر کشاورزی دیگر اجازه تغییر ژنتیکی اورگانیزم‌ها را داده بود. این اقدام، شامل محصولات سمی موسانتو راند آپ ردی نیز می‌شد.

او از زمان ترک خدمت خود در ابتدای 2017 تا سال 2021 به عنوان رئیس و مدیر ارشد کنسول صادرات محصولات لبنی آمریکا حقوقی میلیون دلاری دریافت می‌کرد. [این شورا] یک سازمان لابی‌گر است که بیش از 120 شرکت و سازمان کشاورزی را که به دنبال افزایش صادرات خود هستند، نمایندگی می‌کند. [این نهاد] نماینده کشاورزی بزرگ است و نه کشاورزان خرد که صراحتاً احساس سرکوب و استثمار از طرف کشاورزی عمده می‌کنند. هم‌زمان با بزرگ شدن این انحصارات، کشاورزان کوچک فقیرتر و بیکار می‌شوند. ویلسک دارای سابقه طولانی خدمت برای شرکت‌های بزرگ کشاورزی است. [در حال حاضر] کشاورزی پایدار و امنیت ملی غذایی باید در اولویت باشد و نه سود شرکت‌های بزرگ. این واقعیت ویلسک را تبدیل به یکی از بدترین انتخاب‌های بایدن کرده است. این [انتصاب] هیچ نسبتی با شعار «بهتر خواهیم ساخت» ندارد. جامعه روستایی آمریکا مرکز طرفداران دانالد ترامپ است و [برای گرفتن پایگاه او] نیاز به یک نیودیل از طرف حزب دموکرات احساس می‌شود. [این نیودیل] باید شامل قیمت‌های عادلانه‌تر، محدودیت برای شرکت‌ها بزرگ، دسترسی زمین برای گروه‌های به حاشیه‌رانده شده و بودجه برای بازسازی جوامع روستایی است. هیچ‌کدام از این‌ها را نمی‌توان از ویلسک انتظار داشت.

کلاین رئیس دفتر [بایدن] شریک شرکت حقوقی او-ملونی و میرز^{۶۳}، لایست شرکت فانی می^{۶۴} و معاون اجرایی ریاست و کنسول اصلی در شرکت سرمایه‌گذاری ریسک پذیر رولوشن ال ال سی^{۶۵} است.

زینتس پیش از مسئولیت به عنوان مشاور ریاست جمهوری و مسئول هماهنگی امور مربوط به کووید-19 در دولت، مدیر ارشد کرایمر یک نهاد خصوصی سرمایه‌گذاری بود که متعلق به خانواده‌هایی مانند راکفلر، ملون^{۶۶} و هریمن^{۶۷} است. او قبل تر برای بین اند کامپانی^{۶۸} خدمت کرده است. وی مدیر ارشد و عضو هیئت مدیره این شرکت بوده و همچنین در هیئت مدیره فیس‌بک نیز خدمت کرده است.

به طور خلاصه باید بگوییم که 13 تا از 30 فرد کلیدی کابینه بایدن (43.3) به صورت نزدیک با شرکت‌های بزرگ پلوتوکراتیک در ارتباطه هستند.

دانشگاه‌ها: دانشگاه‌های برتر آمریکا آنهایی که در رنکینگ رتبه‌های بالا را به خود اختصاص می‌دهند، بودجه خود را از طریق کمک‌های مالی افراد ثروتمند تامین می‌کنند. [این دانشگاه‌ها] نخبگان آینده در حوزه‌ها مختلف را تربیت می‌کنند. یکی از کارکردهای اصلی [این دانشگاه‌ها] القا کردن ارزش‌ها و ایدئولوژی طبقه حاکم است. در رتبه‌های نخست دانشگاه‌های برتر آمریکا- که همگی خصوصی و با بودجه‌های اهدایی عظیم اداره می‌شوند و درس خواندن در آن‌ها بسیار گران است- شامل هاروارد، ییل، استنفورد، کلمبیا، و دانشگاه شیکاگو است. دانشگاه آکسفورد در انگلستان نیز در ده دانشگاه برتر جهان قرار دارد.

(فهرست شماره 3)

- افرادی از هیئت دولت بایدن که حداقل یک مدرک از هاروارد دارند: بلینکن، رز، ریموندو، تای، گرنهولم، کلاین، بوتجاج و مریک گارلند.

⁶³ O'Melveny and Meyers

⁶⁴ Fannie Mae

⁶⁵ Revolution LLC

⁶⁶ Mellons

⁶⁷ Harrimans

⁶⁸ Bain and Company

- افرادی از هیئت دولت که سابقه تدریس در هاروارد دارند: یلن، رایس، کمپل، لاندرو و گارلند. (بنابراین 12 تا از سی مقام ارشد دولت بایدن با هاروارد یکی از دانشگاه‌های پلوتوکراتیک برتر ارتباط داشته و یا دارند.
- افرادی از هیئت دولت بایدن که حداقل یک مدرک از دانشگاه ییل دارند: سالیوان، کری، یلن، تای، تاندن، ریموندو. سالیوان همچنین سابقه تدریس نیز در این دانشگاه داشته است. (بنابراین 6 تا از اعضای هیئت دولت بایدن مرتبط با دانشگاه ییل بوده یا هستند.
- افرادی از هیئت دولت بایدن که حداقل یک مدرک از آکسفورد دارند: سالیوان، برنز، رایس، بوتجاج، ریموندو، کمپل و لاندرو (بنابراین 7 تا از مقامات ارشد دولت با دانشگاه آکسفورد ارتباط داشته و یا دارند).
- افرادی از هیئت دولت بایدن که حداقل یک مدرک از استنفورد دارند: رایس و بکرا
- افراد از هیئت دولت بایدن که حداقل یک مدرک از دانشگاه کلمبیا دارند: بلینکن و هینس در این دانشگاه تدریس می‌کردند.
- افرادی از هیئت دولت بایدن که حداقل یک مدرک از دانشگاه شیکاگو دارند: هینس
- افراد از هیئت دولت بایدن که فارغ‌التحصیل از پرینستون هستند: لاندرو، رز

بنابراین 18 هیجده (با شصت درصد) از سی عضو کلیدی کابینه بایدن مدارک خود را از این دانشگاه گرفتند و یا در این ده دانشگاه برتر کار کرده‌اند. این گروه متخصص به‌خوبی توسط گران‌ترین و نخبه‌گراترین دانشگاه‌های جهان تربیت شده است.

نمایندگان طبقه کارگر [در دولت بایدن]

درحالی که اکثریت کابینه بایدن (بیست پنج از سی) روابط و پیشینه نزدیک با طبقه سرمایه‌دار حاکم دارند، حداقل پنج فرد متخصص در این کابینه هم وجود دارد که بیشتر نمایندگان اکثریت طبقه کارگر هستند. این افراد شامل میگوئل کاردونا وزیر آموزش، مارسیا فاج وزیر مسکن و توسعه شهری، مارتی والش وزیر کار، خاویر بکارا وزیر بهداشت و منابع انسانی و دب هالند وزیر امور داخلی می‌شود.

کاردانا وزیر آموزش، لیسانس خود را دانشگاه ایالتی و دکترا خودش را از دانشگاه کانتیکت گرفته است. او تز خود را درباره نابرابری‌ها نوشته و به‌طور تخصصی روی تفاوت‌های موجود بین دانش‌آموزان سفید و سیاه کار کرده است. او کار خود را از معلمی در کلاس چهارم آغاز کرد اما به‌دلیل صلاحیت قابل توجهش در یک زمان بسیار کوتاه به‌بخش‌ها مدیریت مدرسه (در 28 سالگی جوان‌ترین در ایالت) رسید. در سال 2019 به‌مقام عالی بخش آموزش ایالت کانتیکت منصوب شد. امیدواریم [که او در منصب جدید خود] سیاست‌های ضدآموزشی و مخرب بتسی دووس (وزیر ارتجاعی آموزش ترامپ) را معلق نماید.

فاج نماینده اوهایو در کنگره دومین فرد از این گروه است. او دانش‌آموخته دانشگاه ایالتی اوهایو است و همچنین مدرک حقوق را از دانشگاه ایالتی کلیولند گرفته است. فاج در اتحاد با نماینده کنگره کلایرن قصد آن را داشت که وزارت کشاورزی را به‌دست آورد تا بتواند روی مسئله تامین غذایی طبقه کارگر و افراد فقیر کار کند. اگرچه آن دو برای گرفتن این منصب لابی کردند، اما این لابی کاری از پیش نبرد و ویلسک به جای فاج وزیر کشاورزی شد. [درنهایت] به‌جای آن، فاج وزارت مسکن و توسعه شهری را از آن خود نمود. او با دلخوری، این موضوع را مطرح کرد که رهبران حزب دموکرات «باید از این نگاه که تنها برخی از نهادها مناسب افرادی مثل من است، دست بکشند.» (وزیر مسکن و توسعه شهری ترامپ، بن کارسون نیز فردی آفریقایی-آمریکایی بود).

والش وزیر کار، یک رهبر با سابقه اتحادیه کارگری است که پیش از انتخابش به‌عنوان شهردار بوستون رهبری اتحادیه کارگران ساختمان بوستون را برعهده داشته است. انتصاب او قویا توسط رهبران AFL-CLO (که شامل وزیر خزانه‌داری تراما می‌شد) مورد حمایت قرار گرفت.

وزیر بهداشت و منابع انسانی بکارا اگرچه لیسانس و مدرک حقوق خود را از دانشگاه استنفورد گرفته اما هیچ رابطه مشخصی با طبقه پلوتوکراتیک حاکم ندارد. او پیش از آنکه به‌عنوان دادستان کل کالیفورنیا انتخاب شود، نماینده لس‌آنجلس در کنگره بود.

آخرین نماینده از طبقه کارگر در تیم بایدن هالند (فردی بومی آمریکایی) برای پست وزارت داخلی است. مادر او عضو the Laguna Pueblo people of New Mexico بود و پدرش که یک آمریکایی-نروژی محسوب می‌شود، سابقه نظامی در نیروی دریایی داشت. به دلیل عضویت در یک خانواده نظامی، او 13 مدرسه دولتی مختلف را در کودکی تجربه کرد. هالند در جوانی به عنوان مادر سرپرست خانوار نتوانست تا 28 سالگی به کالج برود اما پس از آن مدرک لیسانس حقوق خود را از دانشگاه نیومکزیکو گرفت. پس از فارغ‌التحصیلی، فعالیت خود در حزب دموکرات آغاز کرد و در سال 2018 به نمایندگی کنگره برگزیده شد. او اولین آمریکایی بومی است که وزیر داخلی می‌شود. وی همچنین، منتقد سرسخت، صنعت سوخت‌های فسیلی به حساب می‌آید.

محروم‌سازی و گوناگونی طلبی در سیاست‌های هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه

از آنجا که حزب جمهوری خواه چیزی برای عرضه به طبقه کارگر چند ملیتی آمریکا ندارد (دلیل اصلی آن خدمت مستقیم به پلوتوکراسی از طریق قطع کردن مالیات‌ها، مقررات‌زدایی، یارانه برای شرکت‌های بزرگ و دیگر امتیازات است)، تمرکز خود را بر تشدید مسائل فرهنگی و رنجش‌هایی قرار داده که حول سیاست‌های فاشیستی (محروم‌سازی) سفیدها می‌چرخد. مشکل اصلی آن است که این سیاست مبتنی بر سرکوب دیگران است. (تاریخ قدیمی برده‌داری، استعمار و امپریالیسم آمریکا). این رویکرد دارای نقاط قوت برای چشم‌انداز طبقه پلوتوکراتیک است، چراکه به میانجی نژاد پرستی، می‌توان طبقه کارگر را متفرق و [در نتیجه] فتح کرد. حداقل از زمان نیکسون این راه اصلی جمهوری خواهان برای پیروزی و اداره کشور بوده است. حزب دموکرات همواره جهت مخالف را پی گرفته است و بر لزوم تحول و نمایندگی گروه‌های متنوع تاکید کرده است.

بررسی ما نشان داد که 25 نفر از کابینه بایدن (حدود 83.3 درصد) رابطه نزدیک با طبقه میلیارد پلوتوکراتیک دارند. بسیاری از آنها حتی دارای ارتباطات چندگانه هستند و افراد دارای رابطه‌های قوی‌تر توانسته‌اند، مهم‌ترین و قدرتمندترین مناصب خصوصاً جایگاه‌های مربوط به امور اقتصادی و سیاست خارجی را از آن خود نمایند. با اینحال [حزب دموکرات] این اعضا را به مثابه نمایندگی گوناگونی به آمریکایی‌ها فروخته است و ما احتمالاً باید این مسئله را باور کنیم. اینکه اکثر آنها کل زمان خدمت خود را تنها به انباشت سرمایه از طریق کارگزاری به قدرت صرف کردند، نباید اهمیت داشته باشد، [چراکه به یکباره] آنها اکنون منافع مردم را نمایندگی می‌کنند. کنش‌های سیاسی که توسط حزب دموکرات اعمال می‌شود بسیار مصنوعی است، واقعیت آن است که سیاست‌های طبقه حاکم پلوتوکراتیک چندان تغییر نکرده و نمی‌کند.

رویکرد رادیکال‌تر برای دموکرات‌ها (اگر توسط افرادی مانند سندرز رهبری می‌شدند) جدایی از سیاست تنوع به سیاست طبقاتی بود. ولی این آن چیزی نیست که بایدن و تیمش در حال انجام آن هستند. تاکید آن‌ها بر گوناگونی پیشروتر از رویکرد ترامپ است، اما بیشتر بازی در زمین راست سیاسی از طریق افزودن بر خشم و ترس از پشتوانه جمهوری خواهان است. پشتوانه‌ای که بر مبنا بیگانگی طبقاتی و فرهنگی شکل گرفته است. پشتوانه‌های [مردمی] جمهوری خواهان آماده هستند که بر خلاف منافع اقتصادی خود [تنها] به دلیل چشم‌انداز این سیاست فاشیستی سفیدپوستان، عمل کنند. برای فائق آمدن بر این مسئله باید بر سیاست طبقاتی تاکید کرد که طیف گسترده‌ای از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی؛ مشترک برای تمام طبقه کارگر را نشانه می‌رود. درحالی که جمعیت و گروه‌های فعال به‌طور گسترده از نابرابری‌های نژادی، ملی، جنسیتی، گرایش جنسی، معلولیت و دیگر تمایزات برآمده از جامعه سرمایه‌داری رنج می‌برند، در دهه 1930 سیاست طبقاتی توانست حتی برخی از این مشکلات را حل نماید. چنین رویکرد طبقه‌محوری، راه پس گرفتن طبقه کارگر و اتحاد آن‌ها است.

برآیندهای کلیدی سیاسی در ارتباط با تغییر اقلیمی و چین

پس از دوران فاجعه‌بار ترامپ، چندین مسئله قانونی برای دولت بایدن وجود دارد. از جمله [این مسائل می‌توان به] بحران اقلیمی، درگیری فزاینده ژئوپلیتیکی با چین، بحران کووید-19، رکود اقتصادی، نیاز برای تجدید دوباره دموکراسی و مواجهه با زن‌ستیزی و نژادپرستی حاکم در جامعه آمریکا اشاره کرد. من بر دو تهدید حیاتی یعنی بحران اقلیمی و درگیری با چین تمرکز خواهم کرد.

دولت بایدن و پیشنهادات مربوط به قرارداد جدید سبز^{۶۹}

تقریباً 15 سال پیش بود که حزب سبز مفهوم قرارداد جدید سبز را مطرح کرد. هدف [در این برنامه] رساندن انتشار کربن به صفر از طریق ایجاد زیرساخت‌ها برای توسعه انرژی‌ها پاک بود که [در نتیجه آن] مشاغل جدیدی نیز با دستمزدهای مناسب ایجاد می‌گشت، [این برنامه] نابرابری اقتصادی کاهش و تنها [منجر] به گذاری [از یک شکل به شکل دیگر] می‌شد. نمایندگان حزب سبز این قرارداد را به‌عنوان بخشی از پلتفرم خود در انتخابات‌های ایالتی و دولتی از سال 2010 مطرح کرده‌اند. به‌دلیل شکست مداوم رسانه‌های جریان اصلی در پوشش ایده‌ها و کاندیداهای سبز (طرفدار محیط‌زیست)، مفهوم قرارداد جدید سبز تنها زمانی توجهات را به خود جلب کرد که برخی از مقامات حزب دموکرات ارزش آن را تشخیص دادند و شروع به حمایت از نسخه اولیه آن در سال 2018 کردند. اما دموکرات‌ها به‌دلیل ایدئولوژی نئولیبرال خود، به‌طور کلی حمایت از رویکردهای فراتر از بازار را [در این طرح] نپذیرفتند.

تنها استثنا سناتور سندرز بود که مالکیت عمومی نهادها را تصدیق می‌کرد. [سندرز] این استدلال صحیح را مطرح می‌کرد که محرک سود باید از توزیع نیازهای ضروری مانند انرژی حذف شود. این رویکرد مشکل اصلی که در ذات نظام سرمایه‌داری بود، را مشخص می‌کرد، اگر با بحران اقلیمی مقابله نشود، خیلی زود نتیجه‌اش یک سیاره غیرقابل زیست برای انسان‌ها و دیگر اشکال زندگی خواهد بود. اما بیشتر دیگر دموکرات‌ها [به‌غیر از سندرز] و حقیقتاً کل جمهوری خواهان از گذشتن از مرز بخش خصوصی و مالکیت عمومی خودداری کرده و می‌کنند. آن‌ها می‌دانند انجام اینکار شکل طبیعی وضعیتی را به‌پایان می‌رساند و اقتصاد بازار در نظام سرمایه‌داری که مقصر این بحران از همان آغاز بود را نابود خواهد کرد و [در نتیجه] ادامه حاکمیت طبقه پلوکراتیک زیر سوال خواهد رفت.

اعمال یک سیاست مناسب درباره قرارداد جدید سبز باید اضطراب بحران محیط‌زیستی را بازتاب داده و بر قدرت طبقه متمرکز انحصاری غلبه نماید. برخلاف راه‌حل‌های غلط سودده مبتنی بر بازار، پاسخ تنها در همکاری و اتحاد [همه گروه‌ها] و توسعه سیاست‌های رفاهی از طریق نهادهای دولتی نهفته است. تاریخ ناشناخته طولانی در آمریکا در ارتباط با سرمایه‌گذاری عمومی و مالکیت دولتی برای توسعه رفاه عمومی در زمان‌های بحران وجود دارد. تاریخی که می‌تواند مردم را قانع کند که اینکار دوباره امروز نیز قابل انجام است، همانطور که در آینده نیز خواهد بود. تنها با مرور تاریخ ملی‌سازی در آمریکا از جنگ جهانی اول می‌توان نمونه‌های متعددی از بازپس‌گیری مالکیت دولت و مدیریت شرکت‌ها در جهت منافع ملی را دید. برای مثال در طی جنگ جهانی اول اسلحه‌سازی‌ها، شرکت‌های راه‌سازی و مخابرات توسط دولت وودرو ویلسون ملی شدند. در زمان رکود بزرگ و در هنگام جنگ جهانی دوم، انحصارات انرژی، شرکت‌های راه‌سازی، استخراج ذغال سنگ و ترابری و حتی برخی از فروشگاه‌های بزرگ تماماً ملی شدند. کارخانه‌های فولاد در زمان جنگ کره ملی شدند. رسوایی پس‌انداز و وام در دهه 1980 یک مثال دیگر است. این کنش‌های دولتی برای کنترل دموکراتیک صنایع و شرکت‌ها باعث تضمین آن شد که استانداردهای تولید و توزیع در خدمت منافع عمومی قرار گیرد. [این اعمال] شکلی از سیاست طبقاتی را طرح می‌کنند؛ [که در آن] منافع شرکت‌های بزرگ ثروتمند برای سود بیشتر بخاطر نیازهای رفاه عمومی معلق می‌گردد. از آنجا که شکل کنونی مالکیت خصوصی ناسازگار با نیاز به جلوگیری از فروپاشی اکولوژیکی و تضمین بقای بشریت است، ضروری دارد که جسور بوده و قرارداد سبز جدید را اجرا کنیم. قراردادی که در آن ملی‌سازی و بازسازی بخش‌های کلیدی اقتصادی آمریکا منطبق با مرزهای پایدار شوند.

آخرین و توسعه‌یافته‌ترین نسخه قرارداد سبز جدید توسط هاوی هاوکینز^{۷۰} نامزد حزب سبز در انتخابات ریاست جمهوری سال 2020 مطرح شده است. او راه‌حلی دو بخشی برای بحران محیط زیستی پیشنهاد کرده که بر طبق تخمینش در طول ده سال 42 تریلیون دلار هزینه خواهد داشت. [هزینه‌ای] که از طریق مالیاتی‌گیری پیش‌رو، کاهش مخارج نظامی، کاهش بدهی عمومی و تولید پول عمومی تامین می‌گردد. اولین

⁶⁹ Green New Deal

⁷⁰ Howie Hawkins

بخش از [برنامه] طرح بازسازی اقتصاد سبز هاوکینگ است. طبق این برنامه تا سال 2030 صد در صد انرژی‌ها پاک خواهد بود و [در طی آن] بازسازی کل بخشی‌های اقتصادی آمریکا [به سمت] پایدار شدن خواهد رفت.

اجرای این سیاست نیازمند مالکیت اجتماعی بخش‌های کلیدی اقتصادی به‌منظور ریختن طرحی دموکراتیک شامل پروژه‌های عمومی فدرال از کشاورزی تا تولید مسکن و حمل و نقل است. بخش دوم بر عدالت اجتماعی تمرکز دارد که لایحه اقتصادی حقوق خوانده می‌شود. [این بخش] شامل تضمین برای اشتغال کامل در سطح دستمزدهای بالاتر از خط فقر، مسکن مناسب، بهداشت عمومی جامع رایگان، آموزش عمومی مناسب و بازنشستگی امن برای همه است.

قرارداد سبز کوچک دیگری مطرح شد که البته همچنان یک برنامه سرمایه‌گذاری عمومی قابل توجه است، [این برنامه] حدوداً 16.3 تریلیون دلار در ده سال هزینه خواهد داشت. [این طرح] توسط برنی سندرز نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات در سال 2020 مطرح شد. برنامه سندرز تنها شامل مالکیت اجتماعی در بخش انرژی الکتریکی اقتصادی آمریکا می‌شد. متأسفانه سندرز به‌شکل نادرستی «طمع» و نه سرمایه‌داری را دلیل اصلی بحران محیط‌زیستی آورده بود. با اینحال او بر این مسئله تأکید بسیار کرد که برنامه‌اش میلیون‌ها شغل سبز ایجاد خواهد کرد، عدالت اجتماعی برای آنهایی که از آن محروم بودند را فراهم می‌کند و هزینه‌های نظامی را کاهش داده و درنهایت باعث کاهش سریع انتشار کربن می‌شود.

برنامه بایدن [اما] در تضاد کامل با برنامه سندرز و هاوکینگ تنها با 2 تریلیون دلار هزینه تا به‌کنون طرح شده است. حتی بایدن نیز بخاطر این برنامه سبک قرارداد سبز جدید مورد حمله جمهوری‌خواهان قرار گرفت. در این برنامه تنها پیشنهاد شد که ذغال سنگ، نفت و گاز طبیعی به‌عنوان منابع تامین انرژی برق تا سال 2035 قطع شوند. عنصر دیگر [در این برنامه] حفظ 30 درصد از خاک و آب کشور تا سال 2030 است. هدف بایدن برای انتشار صفر کربن در سال 2050 (تقریباً 30 سال بعد زمانی که ممکن است بحران تشدید یافته اقلیمی چنین برنامه‌هایی را از کارکرد بیاندازد.) درمقابل برنامه هاوکینگ و سندرز تمرکز بر تغییرات اساسی تا سال 2030 دارد. واضح است که بایدن و تیم او بحران محیط‌زیستی را به‌اندازه کافی جدی نگرفته‌اند. برنامه بایدن آشکارا به‌اندازه کافی برای حفظ زیست‌پذیری سیاره ما برای بشریت و دیگر اشکال زندگی بزرگ نیست. همچنین ابداع مشخص نیست که آیا فشار عملی و عمومی کافی بر روی بایدن و تیم او برای گسترش برنامه‌شان وجود دارد تا آن را با مشکل عظیم پیشروی بشریت و سیاره ما منطبق کند.

تیم بایدن می‌خواهد شکل تغییر یافته نتولیرالیسم را در زمانی که این ایدئولوژی به‌طور قابل اثباتی شکست خورده است، ادامه دهد. هزینه‌های عظیم برای نگه‌داشتن جریان اقتصاد و کمبودهای مشخص در نظام بهداشت عمومی مبتنی بر مالکیت و سود خصوصی این مسئله را به‌شکل تلخی نشان می‌دهد. میزان عفونت‌ها و مرگ ناشی از کووید-19 در آمریکا شکلی از جنایت اجتماعی توسط نظامی بهداشت مبتنی بر سود خصوصی است. کشورهای با رویکردهای کالکتیویستی بیشتر به بخش بهداشت عمومی (برای مثال چین، تایوان، کوبا، ویتنام، نروژ، فنلاند، ایسلند، استرالیا و نیوزیلند) که از افسانه‌های مربوط به آزادی فریب نخورده بودند، واکنش بسیار بهتری در کنترل ویروس و حفظ جان افراد نسبت به آمریکا داشتند. یک رویکرد جدید بهداشت عمومی در آمریکا باعث ایجاد برابری، عدالت اجتماعی برای همه به‌جای سود خصوصی برای تعداد قلیلی خواهد شد.

تیم بایدن، سی اف آر و چین

از سال 1930 سی اف آر و اعضای آن در تعیین استراتژی‌های بزرگ امپریالیستی در آمریکا بسیار تاثیرگذار بودند و در شرکت آمریکا در جنگ‌های بزرگی مانند جنگ جهانی دوم، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ عراق و افغانستان مسئولیت کلیدی داشته‌اند. در طی چند سال اخیر این گروه در طراحی استراتژی عظیم هشدارآمیز آمریکا در برابر چین مهم‌ترین رقیب در دنیای جهانی شده فعال بوده است. روشن است که [اکنون] رابطه آمریکا و چین نسبت تمام موضوعات دیگر از اولویت برخوردار است.

تحلیل انجام شده تا بدین جا نشان داده که سی. اف. آر نقش بسیار مهمی را در دولت بایدن ایفا می‌کند. لیست اعضای از سی. اف. آر که در نقش‌های راهبردی قرار گرفته‌اند، نفوذ قابل توجه و نقش کمتر تحلیل شده این سازمان را نشان می‌دهد است. در گزارش سال 2015 سی. اف. آر که درباره استراتژی آمریکا نسبت به چین بود، نتیجه‌گیری شد که «حفظ برتری آمریکا در نظام جهانی باید هدف مرکزی استراتژی کلان آمریکا در قرن 21 باشد.» از آنجا که چین تنها قدرت جهانی است که امکان به‌چالش کشیدن نقش هژمونیک آمریکا را دارد و -هم‌اکنون در تلاش برای برتری در آسیا است که از منظر مناقع قدرت آمریکا اولین قدم به سمت سلطه جهانی است- [از منظر] برنامه‌ریزان سی. اف. آر یک تغییر بنیادین سیاسی نیاز است. این برنامه شامل سیاست‌های کمتر مبتنی بر همکاری و ستیزه‌جویانه برای مهار چین است. که [حتی ممکن است] به‌زبان خود آن‌ها به «شرایط خطرناک» منتهی شود. به عبارت دیگر، سی. اف. آر ظاهراً معتقد است که یک جنگ فاجعه‌آمیز ارزش ریسک کردن برای حفظ هژمونی آمریکا را داراست.

پس از گذشت شش سال از انتشار این گزارش، دیدگاه‌های بیان شده توسط سی. اف. آر به‌عنوان یک استراتژی مناسب توسط طبقه حاکم آمریکا پذیرفته شده است. عصر پیشا 2015 که دوره تعامل خوش‌بینانه با چین به‌منظور نفوذ در پکن برای تغییر بود، امروز کاملاً به‌پایان رسیده است. برای دست‌وپنجه نرم کردن با شرایط جدیدی که در آن چین به سرعت از لحاظ اقتصادی، تکنولوژیکی، نظامی و دیپلماتیک پیشرفت می‌کند و آمریکا ضعیف‌تر و از لحاظ داخلی متفرق‌تر می‌شود، سی. اف. آر یک دیدگاه تصحیح‌شده را مطرح کرده است. [این دیدگاه‌ها] هم در گزارش 2015 و هم در گزارش جدیدتر به‌نام *پیاده‌سازی استراتژی کلان در برابر چین: بیست و دو نسخه سیاسی*⁷¹ مطرح شده است.

رابرت دی. بلکویل⁷² همکار ارشد هنری کسینجر در سیاست خارجی آمریکا در سی. اف. آر، نویسنده این گزارش 73 صفحه‌ای است. وی همچنین شخصیت ارشدی در تبلیغ آن چیزی است که استراتژی تهاجمی ژئواقتصادی (مدلی از نبرد هیبردی) خوانده می‌شود. [او این ایده را] در کتابش به نام *جنگ از طریق ابزارهای دیگر*⁷³ که مشترکاً با جنیفر ام. هریس⁷⁴ مقام دولتی و سفیر سابق نوشته است، پرورش داده. بلکویل [همچنین] در بخش قدرانی گزارش، از کمک‌های کنسیجر تمجید کرده و این نکته را ذکر کرده است که بارها از او در این گزارش نقل قول آورده است. او همچنین افزوده که «بسیار از دوستی، الهام‌بخشی و راهنمایی او در تقریباً کل زندگی خود قدران است.» در مقدمه گزارش هس⁷⁵ رئیس سی. اف. آر خاطر نشان کرده رابطه آمریکا با چین در آینده [مسئله] مرکزی خواهد بود. «هیچ رابطه دوطرفه دیگری به اندازه [رابطه چین و آمریکا] نمی‌تواند اساس آینده این کشور را تعریف نماید.» «هدف مرکزی» استراتژی کلان آمریکا در این قرن حفظ برتری و «نقش حیاتی آمریکا در شکل دادن به نظام جهانی» باقی خواهد ماند. بنابراین آمریکا باید با قدرت رو به رشد چین توازن برقرار کرده و درعین حال در حل مشکلات مشترک مانند تغییرات اقلیمی همکاری نماید.

بلکویل گزارشش را با یک اعتراف بسیار جالب آغاز می‌کند، او می‌گوید که به دلیل «ابعاد بسیار شگفت‌انگیز افزایش قدرت چین» آمریکا دیگر امتیاز برتری مطلق را در آسیا ندارد. وی آرزو می‌کند که ای‌کاش این مسئله حقیقت نداشت. بلکویل نشان می‌دهد که چین تنها یک بازیگر بزرگ دیگر نیست، بلکه قصد دارد که به بزرگترین قدرت در تاریخ مدرن جهان تبدیل شود. چین «به شکلی قدرت ملی خود را تقویت کرده است که به‌صورت عمیقی منافع ملی آمریکا را در بلند مدت تهدید می‌کند.» اما هم‌زمان آمریکا باید از برتری چین در حوزه اقیانوسیه و هند و همچنین کل جهان جلوگیری نماید. پاسخ آمریکا «به چالش نظامی، تکنولوژیکی، ژئواقتصادی چین نظم بین‌الملل را در چند دهه پیشرو تعیین خواهد کرد.» بلکویل اضافه می‌کند که مشکل آن جایی است که چطور باید در نظامی که هیچکس هژمونی ندارد، به شکل منطقه‌ای و بین‌المللی عمل کرد. وی در ادامه گزارش خود پیشنهاد سیاسی داخلی و شانزده پیشنهاد مربوط به مسائل بین‌المللی را تشریح می‌نماید. در راستای این باور [قدیمی] سی. اف. آر که «سیاست خارجی از داخل آغاز می‌شود» شش سیاست پیشنهادی داخلی با یک دسته‌بندی کلی از نیازهایی آغاز می‌شود

⁷¹ *Implementing Grand Strategy Toward China: Twenty-Two Policy Prescriptions*

⁷² Robert D. Blackwill,

⁷³ *War By Other Means*

⁷⁴ Jennifer M. Harris

⁷⁵ Haass

که [در آن] باید «شکاف‌های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» در آمریکا مورد نظر قرار گیرد. [این برنامه] شامل مدرن‌سازی زیرساخت‌ها، اصلاح نظام مهاجرت، مدیریت کارآمد اقتصاد، کاهش هزینه‌های دولت و بهبود نظام آموزشی است. دیگر سیاست پیشنهادی داخلی شامل حفظ مدل دموکراسی آمریکا، آموزش مردم آمریکا درباره چالش چین، کنترل دزدی چین از مالکیت معنوی و توسعه صنعت تکنولوژی در آمریکا در اندازه چیزی شبیه پروژه عظیم منهن پس از جنگ جهانی دوم می‌شود.

سیاست‌های خارجی پیشنهادی بلک‌ویل با یک امر الزام‌آور آغاز می‌شود. [او معتقد است که] چین باید در اولویت باشد، [تمرکز] سیاست‌گذاران آمریکا نباید بخاطر مسائل دیگر و مشکلات جهان منحرف شود. در موارد الزام آور دیگر [ذکر می‌شود که] آمریکا در نبرد با چین نقاط قوت عظیم در نظام متحدان خود دارد که توسط ترامپ در نظر گرفته نشده بود. این نظام متحدان، باید صبورانه با مذاکره و توافق مداوم و نزدیک بازسازی شود. علاوه بر این، اعمال قدرت آمریکا در آسیا باید تهاجمی‌تر و قدرتمندتر شود. همانطور که بلک‌ویل اشاره می‌کند: «آمریکا باید به‌صورت قابل توجهی اعمال قدرت نظامی خود را در آسیا قوی سازد. [برای اینکار] این کشور، باید منابعش را از صحنه‌های اروپایی و خاورمیانه بیرون کشد تا ظرفیت نیروهای نظامی‌اش بهبود یابد، تا بتواند، به‌شکل موثری قدرت خود را در صورت حمله چین به زنجیره‌های جزیره‌ای اول و دوم بکار برد.»

پس از این نکات در چندین صفحه بعد پیشنهادهای درباره بهبود مسائل نظامی و همکاری سیاسی با ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، هند و چند کشور جنوب شرق آسیا مطرح شده است. بلک‌ویل معتقد است که چنین اعمال قدرتی به آمریکا اجازه می‌دهد چین را وادار به پذیرش خواسته‌های آمریکا مانند محدود کردن یارانه‌های دولتش برای صنعت و پایان دادن به «دزدی» تکنولوژی آمریکا کند. هم‌چنین این [اعمال قدرت] می‌تواند به توقف حملات سایبری، کنترل تلاش‌های چین در نفوذ به سیاست داخلی آمریکا، محدود کردن تهدیدهای ژئواقتصادی چین و پرورش دیپلماسی دو طرفه درباره [مسئله] «آزادی دریاهای» مخصوصا دریای جنوب چین کمک نماید. هدف چنین دیپلماسی متوقف کردن افزایش قدرت نظامی چین در جزیره‌های مصنوعی آنجاست. موقعیت نظامی قوی‌تر آمریکا هم‌چنین به‌مثابه کلیدی در جلوگیری درگیری چین در تایوان دیده می‌شود، اگرچه دیپلماسی «زیرکانه‌تری» برای این موضوع نیاز است. این [دیپلماسی] هم‌چنین می‌تواند توافق با روسیه ولادیمیر پوتین را تسهیل کند، چراکه آمریکا باید «هدفش روابط بهتر با چین و روسیه نسبت به روابط این دو کشور با هم باشد.» در راینی با متحدان امتیازات به روسیه باید شامل پایان توسعه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، برداشتن تحریم‌های آمریکا و بازگشت روسیه به کشورهای جی 8 باشد. در مقابل روسیه باید شرق اوکراین را رها و دخالت‌هایش در سیاست داخلی آمریکا را پایان دهد.

تقریباً در پایان گزارش بلک‌ویل، پیشنهاد می‌کند که باید «گفت‌وگوی دوطرفه فوری و جامع با چین درباره مسئله تغییرات اقلیمی انجام گیرد.» او استدلال می‌کند که در دوران ترامپ آمریکا به شکل «احمقانه‌ای» به چین اجازه داد که رهبری تامین مالی انرژی‌های سبز و برخی از فناوری‌های پاک را برعهده گیرد. [وی معتقد است که] دو کشور با همکاری مشترک می‌توانند مشکل تغییر اقلیمی را برطرف سازند. در پایان گزارشش، بلک‌ویل دوباره بر نیاز دیپلماسی مبتنی بر تمام قدرتها تاکید می‌کند:

برای آنکه گفت‌وگوهای متشنج در سطوح بالا بین واشنگتن و پکن برای آمریکا مفید باشد، این کشور نخست باید به‌شکل مشخصی قدرت نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی خود در آسیا را تثبیت نماید. [آمریکا باید] روابط متقابل خود با متحدان، شرکا و دوستان را تشدید کرده و به ساختن قدرت اقتصادی و نظامی آنها کمک کند. دیپلماسی موفق بسته به دارایی‌های قابل استقرار است و واشنگتن نیاز دارد تا دارایی‌های خود را از طریق نسخه‌های سیاسی مطرح شده در این گزارش بهبود بخشد. هیچ چیز جز این پکن را متقاعد نخواهد کرد - که سیاست کلاسیک رئالیستی مبتنی بر توازن قوا را دنبال می‌کند- تا مبتنی بر این دلایل که مربوط به منافع ملیش است با آمریکا مذاکره کند.

تقریباً هم‌زمان با وقتی که بلک‌ویل گزارش خودش را می‌نوشت، دو فرد مرتبط دیگر با سی.اف.آر- کمپل عضو شورا و ملقب به «تزار آسیا» بایدن که هم‌اکنون یکی از تبیین‌کنندگان سیاست در برابر چین است و سالیوان عضو نویسنده شورا و مشاور امنیت ملی بایدن- که هر دو از پیش‌قرار بود نقش کلیدی در تیم بایدن داشته باشند- مقاله‌ای درباره سیاست آمریکا در برابر چین برای فارین افیرز نوشته‌اند. مقاله آنها به نام «رقابت

بدون فاجعه: چگونه آمریکا می‌تواند هم‌زمان با وجود چالش با چین، هم‌زیستی کند⁷⁶». برای داشتن چشم‌اندازی از سیاست‌های فعلی و آینده بسیار مهم است.

مقاله کمپل و سالیوان بر این نکته تاکید می‌کند که آنها با رویکرد بلکویل در مسائل ریشه‌ای هم‌عقیده هستند و [مسئله‌شان] بیشتر بر اعمال این سیاست‌ها تمرکز دارد. برای مثال آنها مانند بلکویل به قدرت «ترسناک» چین اذعان می‌کنند و احتمال برتری مجدد آمریکا در آسیا را نامحتمل می‌شمارند. بنابراین [تمرکز] آنها بر هم‌زیستی دو طرف است. آنها همچنین این نکته را مورد پذیرش قرار می‌دهند که آمریکا توانایی در مشخص کردن توسعه چین در بلند مدت ندارد. بر اهمیت نظامی نیز تاکید شده است. کمپل و سالیوان تاکید می‌کنند که رقابت میان چین و آمریکا به‌مانند آنچه برخی از اتاق فکرها بر آن صحنه می‌گذارند یک جنگ سرد جدید نیست. (به گزارش تلگرام طولانی‌تر⁷⁷ که در نشریه شورا آتلانتیک در 28 ژانویه 2021 چاپ شده و موضع سخت‌گیرانه‌تری نسبت به چین دارد، رجوع کنید.) کمپل و سالیوان بر این باورند که این موقعیتی است که هم در رقابت و هم در همکاری نقش ایفا می‌کنند. در بخش رقابت قدرت عظیم کلیدی آمریکا نظام متحدانش است: «وزنه آمریکا در کنار متحدان و شرکایش می‌تواند انتخاب‌های چین در تمام حوزه‌ها را شکل دهد- اما تنها در صورتی که آمریکا این روابط را عمیق‌تر سازد و از نزدیک در کنار آنها کار کند. اگرچه اکثر بحث‌ها درباره رقابت چین و آمریکا متمرکز بر ابعاد دوطرفه است، آمریکا در نهایت نیاز دارد که استراتژی مربوط به چینش را مبتنی بر شبکه مترابلی از روابط و نهادها در آسیا و کل جهان طرح‌ریزی کند.»

این [سیاست] امکان عمل متقابل دو طرفه برای هم‌زیستی در میان مدت و بلندمدت را ممکن می‌سازد. در قلمرو همکاری، چین به مثابه شریک کلیدی در تعدادی از مسائل مهم مخصوصاً تغییرات اقلیمی دیده می‌شود. «حتی اگر چین به‌مثابه رقیبی هولناک‌تر از اتحاد جماهیر شوروی ظهور کند، باید شریک کلیدی آمریکا باقی بماند چراکه مشکلات جهانی حتی در صورتی که آمریکا و چین با یکدیگر همکاری کنند، بسیار سخت قابل حل خواهند بود، بدون این همکاری حل این مسائل غیرممکن است. - در چه نخست تغییرات اقلیمی قرار دارد که آمریکا و چین در صدر آلوده‌کنندترین‌ها [در جهان] هستند. [این دو کشور] همچنین میزبان چالش‌های فراملی، بحران‌های اقتصادی، افزایش تقاضای [کشورها] برای انرژی هسته‌ای، پاندمی‌های جهانی بوده که نیازمند مقداری از تلاش مشترک است. این ضرورت برای همکاری [تقابل آمریکا با چین] را تبدیل به یک جنگ سرد نخواهد کرد.»

[صحبت‌ها و مقالات] تعداد کثیری از اعضای سی.اف.آر که در دولت هستند، همراه با خود مقاله 2020 بایدن در فارین افیرز، تصمیم‌های صریح درباره چین و دیگر سیاست‌هایی که در ماه‌ها و سال‌های آینده باید دنبال شو را نشان می‌دهد. مقاله بایدن در همان راستا رویکرد سی.اف.آر که درباره آن بحث شده، قرار دارد. در مقاله 2020 رئیس‌جمهور که «چرا آمریکا دوباره باید رهبری کند»⁷⁸ نام دارد، وی استدلال می‌کند آمریکا باید رهبری جهان را برعهده بگیرد. او دربرابر چین موضع سختی اتخاذ می‌کند: «آمریکا نیاز مبرم دارد که نسبت به چین سخت‌گیرتر باشد.... اتحادی با مرکزیت متحدان و شرکای آمریکا برای مواجهه با رفتارهای سواستفاده‌جویانه چین و نقض حقوق بشر در این کشور باید شکل بگیرد. البته ما باید به دنبال همکاری درباره موضوعاتی که منافعمان هم‌پوشانی دارد، باشیم.»

همچنین در این اظهارنظر بایدن می‌توان ویژگی رویکرد تیم او را مشاهده کرد:

دستورکار سیاست خارجی بایدن آمریکا به رهبری زمین بازی باز می‌گرداند.... جهان خودش را سامان نمی‌بخشد. آمریکا پیش از ترامپ در هفتاد سال، تحت هدایت روسای جمهور دموکرات و جمهوری خواه نقش رهبری را در نوشتن قوانین، شکل دادن توافق‌ها و برساختن نهادهایی که روابط میان ملت‌ها را تسهیل می‌کند، ایفا می‌کرده است. اگر ما به کنارگیری خود از این مسئولیت ادامه دهیم آنگاه چند احتمال بیشتر وجود

⁷⁶ Competition Without Catastrophe: How America Can Both Challenge and Coexist with China

⁷⁷ The Longer Telegram

⁷⁸ Why America Must Lead Again

نخواهد داشت. یا بازیگر دیگری جای آمریکا را پر خواهد کرد، یقیناً نه به آن صورتی که منافع و ارزش‌های ما را توسعه دهد، و یا هیچکس این رهبری را بر عهده نخواهد گرفت و هرج و مرج حاکم خواهد شد. هر دو امکان برای آمریکا [سرنوشت] خوبی رقم نخواهد زد.

جمع بندی

در کنار اتاق فکرهای خصوصی که امیال و نیازهای پلوتوکراسی را بازتاب می‌دهد، دولت آمریکا دائماً با چالش‌هایی در داخل و خارج مواجه است. دولت بایدن بسیاری از متخصصان مجرب، «بازیگران با تجربه» را از سی.اف.آر و دیگر اتاق‌های فکر، گروه‌های مشورتی و شرکت‌های بزرگ کنار هم آورده تا تلاش کند طوفان سهمگینی از مشکلات را که در دوران فاجعه‌آمیز ترامپ انباشت شده است، کنترل نماید. هم جمعیت خاکستری آمریکا و هم فشار از بخش بزرگ جناح پیشرو حزب دموکرات باعث شده که بایدن و تیمش تلاش کنند تا ذات پلوتوکراتیک خود را از طریق زبان‌بازی درباره «تنوع» (نسخه‌ای سیاست نمایندگی حزب دموکرات به عنوان پوشش) پنهان کنند.

مشکل اصلی آن است که سی.اف.آر و طبقه حاکم در آمریکا بیشتر از آنکه به پایداری اکولوژیکی اهمیت بدهد به سلطه جهانی خود علاقه‌مند است. [این طبقه] تاریخی طولانی از نادیده‌گیری اهمیت بحران اقلیمی و موضع امپریالیستی نسبت به دیگر ملت‌ها دارد. هر دوی این گرایش‌ها مبتنی بر نیازهای نظام سرمایه‌داری هستند که به احتمالاً زیاد در آینده نه‌چندان دور مشخص خواهند شد. یکی از پیامدهای [این رویکرد] می‌تواند رقابت تسلیحاتی بین ابر قدرتها باشد. در نهایت جنبش ما نیاز دارد که بیشتر بر مبنای ریشه‌های طبقاتی و مستقل از حزب دموکرات سازمان یابد تا [مطالباتی] مانند یک قرارداد جدید سبز اکوسوسیالیستی و رویکرد صلح‌جویانه در برابر چین و دیگر ملت‌ها را وارد دستورکار بایدن کند. از آنجاکه تیم بایدن در انحصار بازیگران «درون نمایش» بوده که کلاً هنرشان بستن قراردادهای نادیده‌گیری و تلاش برای تقلیل خواسته‌های جنبش است، [ما نیاز به] فشار قوی از طرف طبقه کارگر چند ملیتی سازمان‌یافته و متحد داریم. سیاست‌مداران پلوتوکراتیک و متخصصان حرفه‌ای آن می‌خواهند که مردم پس از رای دادن به آنها ناپدید شوند تا آنها بتوانند به اربابان طبقه حاکم خود در صلح خدمت کنند و مردم تبدیل به بینندگان صرف شوند. برچیدن جنبشی که به اوپاما رای دادند، دقیقاً همین سرنوشتی بود که توصیف شد. که [در نتیجه آن] ترامپ [توانست] بخشی قابل توجهی از جمعیت ناامید شده را به نفع خود تسخیر کند.

چون به احتمال زیاد تیم بایدن را باید مجبور به آن چیزی که نیاز داریم، کنیم و آنها تنها به قدرت پاسخ‌گو هستند، فعالین باید فشار حداکثری [برای آنها] به‌وجود آورده و اعمال کنند. رویکرد اهانت‌آمیز و تحقیرآمیز نسبت به جمعیت کارگر-مردمی که مسئولیت زیادی برای روی کار آمدن آنها داشتند- را می‌توان از دولت انتظار داشت. هم‌اکنون [دولت] تمام تمرکز خود را بر منافع پلوتوکراتیک هم در داخل و هم در خارج گذاشته است. در نتیجه فشار دائمی از اکثریت دموکراتیک طبقه کارگر - که در پایین‌ترین سطح سلسله مراتب اجتماعی قرار دارند و متوع‌ترین بخش جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند-، دقیقاً آن چیزی است که می‌تواند ما را از خطرات عظیم درحال ظهور پیشرو مصون دارد.

منبع: <https://monthlyreview.org/2021/05/01/the-council-on-foreign-relations-the-biden-team-and-key-policy-outcomes/>